ذهن و بازار

| جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن | جری مولر | مهدی نصراله‌زاده |

| چاپ سوم |

The mind
and
The market:
Capitalism in
modern European thought

Jerry Z. Muller

Mehdi Nasrollahzade

ذهن و بازار
جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن
جری مولر
ترجمهٔ مهدی نصراله‌زاده
مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان
صفحه‌آرایی: آلا شویز
نمونه‌خوان: شیرین افخمی
مدیر تولید: مصطفی شریفی
چاپ سوم، ۱۳۹۷ تهران، ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۲-۲۷-۷۸۰۶-۶۰۰-۹۷۸

نشر بیدگل | Bidgol Publishing co.
تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷
فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، پلاک ۱۲۷۴
تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷، ۶۶۴۶۳۵۴۵

bidgolpublishing.com
همهٔ حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه ۱۱

فصل اول. پس‌زمینهٔ تاریخی: حقوق، عدالت و فضیلت ۲۷

فصل دوم. ولتر: «بازرگانی از نوع شریف آن» ۵۹

ظهور روشنفکران ـ مبادله و مدارا: استدلال سیاسی ـ سوداگری فکری ـ دفاع از تجمل ـ نسبت آزمندی و یهودیان: محدودیت‌های روشنگری

فصل سوم. آدام اسمیت: فلسفهٔ اخلاقی و اقتصاد سیاسی ۱۱۳

زندگی و زمانهٔ اسمیت ـ انقلاب مصرفی ـ تبیین بازار ـ قانون‌گذار و بازرگان ـ ترازنامهٔ اخلاقی جامعهٔ تجاری ـ دست مرئی دولت ـ فضایل کوچک و فضایل بزرگ

فصل چهارم. یوستوس موزِر: بازار بمثابهٔ ویران‌کنندهٔ فرهنگ ۱۶۷

فضیلت‌های دانستن جایگاه خود ـ نابود کردن فرهنگ محلی ـ خلق فقرا ـ تجارت و افول فضیلت

فصل پنجم. ادموند بِرک: تجارت، محافظه‌کاری و روشنفکران ۲۰۳

روشنفکر در عرصهٔ سیاست ـ بازار برای «معرفت» و «افکار عمومی» ـ نقد عقل انتزاعی ـ بِرک در مقام مدافع تجارت ـ بِرک و کمپانی هند شرقی بریتانیا ـ تحلیل بِرک از انقلاب فرانسه ـ بنیان غیرقراردادی جامعهٔ تجاری

فصل ششم. هگل: زیستی شایستهٔ انتخاب کردن ۲۶۳

احساس راحتی (در خانه‌بودن) در جهان مدرن ـ زمینه و زمانهٔ فلسفهٔ حق ـ فردیت و جهان‌شمولی ـ جامعهٔ مدنی و ناخرسندی‌های آن ـ فراسوی جامعهٔ مدنی ـ طبقهٔ عام و نقش فیلسوف

فصل هفتم. کارل مارکس: از رباخواری یهودی تا خون‌آشامی جهانی ۳۱۱

معضل یهودِ مارکس و معضل کار او ـ معضل اجتماعی ـ از هگل‌گرایی تا کمونیسم ـ انگلس و نقد اقتصاد سیاسی ـ یهودی‌گریِ استعلایافته ـ فراسوی هویت خاص: مانیفست حزب کمونیست ـ از رباخواری تا خون‌آشامی: سرمایه ـ عواقب کار

فصل هشتم. متی‌یو آرنولد: ترک دادن بی‌فرهنگان از افیون کسب‌وکار ۳۸۱

زندگی در بین بی‌فرهنگان (اهالی فیلیستیا) و عبرانیان ـ نقد آرنولد ـ نقش‌های روشنفکر

فصل نهم. وبر، زیمل و سومبارت: جمعیت، فردیت، عقلانیت ۴۱۵

تعیین شرایط مباحثه ـ دگرگونی تجاری ـ وبر: کارآمدی و افسون‌زدودگی ـ زیمل: پول و فردیت ـ دیالکتیک وسایل و غایات ـ سومبارت: مقصردانستن یهودیان ـ جنگ جهانی به‌منزلهٔ نقطهٔ عطف

فصل دهم. لوکاچ و فریِز: از جستجوی جمعیت تا وسوسه‌های تمامیت ۴۶۵

از روشنفکر به انقلابی ـ سرمایه‌داری همچون نظامی از توهم ـ آموزگار انقلاب ـ حزب بمثابهٔ جمعیت ـ فریِز: بیگانگی و جستجو از پی جمعیت ـ نقد جزئی‌گرا از بازار ـ جنگ، دولت و صیانت از خاص‌بودگیِ فرهنگی ـ انقلاب از راست؟

فصل یازدهم. شومپیتر: نوآوری و کین‌توزی ۵۱۵

خلاقیت و کین‌توزی در نوشته‌های اولیهٔ شومپیتر ـ تولد طنز کنایی از دل فاجعه ـ از رونق تا رکود ـ تحلیل شومپیتر از رکود بزرگ و پروژهٔ نیودیل ـ کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی ـ نقش روشنفکران

فصل دوازدهم. از کِینز تا مارکوزه: مکنت و ناخرسندی‌های آن ۵۶۷

پارادوکس کِینز ـ مکنت تازه و پایان ایدئولوژی ـ ریشه‌های اروپایی اندیشهٔ مارکوزه ـ بازتعریف منکوب سیاسی به‌عنوان سرکوب روانی ـ سلطه از طریق سکس و مکنت ـ میراث مارکوزه

فصل سیزدهم. فریدریک هایک: لیبرال نابهنگام ۶۱۷

ساخته شدن یک لیبرال ـ لیبرالیسم وینی، یهودیان و دفاع از اقلیت‌های خلاق ـ کنترل اجاره‌بها و خطرات مداخلهٔ دولتی ـ سوسیالیسم، برنامه‌ریزی و کارکردهای بازار ـ نقد «عدالت اجتماعی» و خطرات دولتِ رفاه ـ باز هم روشنفکران ـ فصل هایکی ـ تعارضات و محدودیت‌های اندیشهٔ هایک

نتیجه‌گیری و ختم کلام ۶۸۹

نمایه ۷۱۹

نشر بیدگل

مقدمه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم جهانی است ساختهٔ نظام سرمایه‌داری. این نظام، در اشکال مختلف و پیوسته در حال تغییرش، سه قرن با ما بوده است، و سالیان دراز دیگری نیز همچنان با ما خواهد بود. در اروپای قرن بیستم، کمونیسم و فاشیسم هیچ‌یک نتوانستند خود را به‌عنوان گزینه‌های بدیل کارآمدی معرفی کنند، و مشابه‌های غیراروپایی‌شان نیز به‌هیچ‌روی موفق‌تر از کار درنیامده‌اند. در تلاش برای شناخت پویش‌های کنونی و پیامدهای آتی نظام سرمایه‌داری، چه‌بسا دانستن بهترین گفته‌ها و اندیشه‌هایی که در طول سالیانْ دربارهٔ این موضوع طرح شده است مفید باشد. فرض اساسی کتاب حاضر نیز همین است و بنای آن بر این پیش‌فرض استوار است که نظام سرمایه‌داری موضوعی است بسیار مهم‌تر و پیچیده‌تر از آنکه تنها به اقتصاددانان واگذار شود. نیل به درکی انتقادی از سرمایه‌داری مستلزم چشم‌اندازهایی است فراتر از چشم‌اندازهای خاصّ اقتصاد مدرن. به همین دلیل نیز این کتاب تاریخچه‌ای از آرا و افکار اقتصادی نیست، بلکه تاریخچه‌ای از آرا و افکار دربارهٔ اقتصاد سرمایه‌داری است. پس از آدام اسمیت، رشد و توسعهٔ اقتصاد به‌عنوان یک رشتهٔ علمی تا حدی با کنار گذاشتن بسیاری از موضوعاتی صورت گرفت که اتفاقاً برای متفکرانِ مورد بحث در کتاب حاضر اهمیت حیاتی دارند. این امر بی‌شک از حیث دستیابی به دقت تحلیلی و

خلق واژگان مشترکی خاصّ این رشته ثمربخش بوده است. اما اندیشیدن به بازار، مثل بسیاری چیزهای دیگر، بدون هزینه نبوده است: اسلوب دقیق و انسجام رشته‌ایِ به‌دست‌آمده به بهای کم‌اهمیت شدن موضوعات بسیاری تمام شده است که مستقیماً به بازار مربوط می‌شوند و از این حیث به احتمال فراوان دغدغهٔ اهل اندیشه‌اند.

فکر نگارش این کتاب در اواسط دههٔ ۱۹۸۰ پدید آمد. در دههٔ پیش از آن، برخی از تیزبین‌ترین تحلیل‌گران جامعهٔ معاصرْ موضوعِ پیامدهای اخلاقی، فرهنگی و سیاسیِ نظام سرمایه‌داری را در صدر اولویت‌های تحلیل و تفسیر فرهنگی قرار داده بودند. برخی از این مفسران، مانند یورگن هابرماس، به جناح چپ تعلق داشتند؛ برخی، مانند اِروینگ کریستول، به جناح راست؛ و برخی، مانند دنیل بِل و کریستوفر لَش، در میانه بودند.[1] دعاوی آنان متعدد و متفاوت بود: اینکه کانون گرم خانواده مورد هجوم جهان تجارت و نیروهای آن قرار گرفته است؛ اینکه فضایل مدنی در حال رنگ باختن و ناپدید شدن است؛ اینکه آمادگی برای به تعویق انداختن ارضاء امیال و آرزوها، به‌عنوان نقطهٔ اتکای سرمایه‌داری، اکنون در حال رنگ باختن است؛ اینکه فردگرایی و خودخواهی در حال نابودن کردن هرگونه درکی از هدف و مقصود جمعی است؛ اینکه کار رفته‌رفته معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد؛ اینکه زنان و مردان مسحور کالاهای مصرفی‌ای شده‌اند که در واقع به آنها احتیاجی ندارند؛ اینکه بازار بین‌المللی با نابود کردن فرهنگ‌های تاریخیِ خاص، چیزی به‌غیر از یک معجون بی‌بو و خاصیت یا نوعی نیهیلیسم لذت‌پرستانه باقی نمی‌گذارد؛ اینکه اشاعهٔ ارزش‌های بازار رفته‌رفته موجب تضعیف همان سنت‌ها و نهادهایی شده است که سرمایه‌داری بدانها متکی است؛ اینکه امروزه ما به منتهای

1. Jürgen Habermas, *Legitimationsprobleme im Spätkapitalismus* (Frankfurt, 1973), translated by Thomas McCarthy as *Legitimation Crisis* (Boston, 1975); Daniel Bell, *The Cultural contradictions of Capitalism* (New York, 1976); Irving Kristol, *Two Cheers for Capitalism* (New York, 1978); Christopher Lasch, *The Culture of Narcissism: American Life in an Age of Diminishing Expectations* (New York, 1979); Alasdair MacIntyre, *After Virtue* (Notre Dame, Ind., 1981).

رشد خود از حیث امکانات تکنولوژیک رسیده‌ایم؛ اینکه ثروتمندان ثروتمندتر شده‌اند در حالی که فقرا فقیرتر گشته‌اند ــ و اینکه به همهٔ این دلایل و دلایل بیشتر، نظام سرمایه‌داری در بحران است.

این بحث و جدل‌های امروزی انگیزه‌ای شد تا در تاریخ فکری اروپای مدرن کند و کاو کنم و دریابم که این‌گونه نگرانی‌ها از دیرباز، دست‌کم از قرن هجده، در ذهن روشنفکران و متفکران بوده است. در واقع، اندیشیدن به تبعات نظام سرمایه‌داری یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های تاریخ اندیشه در اروپای مدرن را تشکیل می‌دهد. این چیزی بود که از همان ابتدا از مورخان فکری رادیکال با گرایش‌های ضدکاپیتالیستی چپ و راست آموختم.[1] دریافتم که غور و تأمل در اثرات فرهنگی، اخلاقی و سیاسیِ نظام سرمایه‌داری در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان و روشنفکران قرار داشته است، نه فقط کسانی که غالباً از آنان به‌عنوان «اقتصاددان» یاد می‌شود، افرادی مانند آدام اسمیت و جوزف شومپیتر، بلکه شخصیت‌های دیگری که معمولاً بین آنها و بازار پیوندی مشاهده نمی‌شود، کسانی مانند ولتر، هگل، ادموند بِرک، متی‌یو آرنولد و دیگران. تحلیل‌گران و مفسران امروزی، بدون آنکه آگاهی عمیقی از این گذشتهٔ فکری غنی داشته باشند، غالباً طوری برخورد می‌کنند که گویی موضوع سرمایه‌داری و پیامدهای آن موضوعی جدید است. این‌چنین، آنان یا به اختراع دوبارهٔ مفاهیم تحلیلی قدیمی روی آورده‌اند، امری که منجر به مبالغه در خصوص میزان تازگی مسائل امروزی و مهلک خواندن تناقضاتی شده است که در واقع تنش‌هایی ذاتی اما قابل تحمل‌اند؛ و یا خود را از شیوه‌های پژوهشی بالقوه مفیدی محروم ساخته‌اند که در گذشته بدانها اشاره شده اما از آن زمان به فراموشی سپرده شده است. همزمان، حتی پیش از نابودی اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری آن، رفته‌رفته آشکار می‌شد که جهان،

1. Hans Freyer, *Die Bewertung der Wirtschaft im philosophischen Denken des 19. Jahrhunderts* (Leipzig, 1921); Raymond Williams, *Culture and Society*, 1780-1950 (New York, 1958), and *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society* (New York, 1976).

در تمامیت خود، در حال روی آوردن به سرمایه‌داری و نه دور شدن از آن است. در همان زمان که بسیاری از روشنفکران اروپایی و پیروان امریکایی‌شان از عصر حاضر به‌عنوان عصر «سرمایه‌داری متأخر» سخن می‌گفتند، نیروهای سیاسی و اقتصادی بومی نیز کار خود را می‌کردند: آنها، در واحدهای جغرافیایی‌ای که در آن زمان جهان‌های اول، دوم و سوم خوانده می‌شد، سرگرم هدایت ملت‌های خود نه به ورای سرمایه‌داری، بلکه به طرف اقتصادها و جوامعی بازارمحورتر بودند.[1] به همین خاطر بر آن شدم تا اندیشه‌هایی را که بهترین و هوشمندترین روشنفکران اروپایی ــ روشنفکرانی بزرگ و کمابیش بزرگ ــ دربارهٔ پیامدهای اخلاقی، فرهنگی و سیاسیِ نظام سرمایه‌داری طرح کرده بودند بازیابی و احیا کنم.

این کتاب هرچند کتابی است دربارهٔ متفکران اروپایی، اما فقط برای اروپاییان نیست. زیرا همزمان با قرار دادن هر متفکر در زمینهٔ تاریخی خود، استدلال‌های طرح‌شده دربارهٔ بازار دارای منطق و اعتباری است که ضرورتاً به خصوصیات ویژهٔ این یا آن ملت خاص محدود نمی‌شود. در واقع شمار فراوانی از متفکران متأخرتر، مهم‌ترین آثارشان را در ایالات متحده نوشته‌اند، شاید به این دلیل که تصوّر کرده‌اند آنچه در آنجا می‌گذرد تبعاتی فراملی دارد.

زادگاه متفکران مورد بحث در این کتاب مناطقی در غرب و مرکز اروپاست، و تعلقات ایدئولوژیکی آنان نیز مختلف و متفاوت است. در میان آنان تحلیل‌گرانی هستند که طرفدار نظام سرمایه‌داری بوده‌اند و تحلیل‌گران دیگری که از سرمایه‌داری متنفر بوده‌اند. در واقع، آن‌گونه که کتاب نشان خواهد داد، در نزد متفکرانی که با پیش‌فرض‌های اخلاقی متفاوت دربارهٔ سرمایه‌داری به قضاوت نشسته‌اند، یک تحلیل واحد می‌تواند همچون استدلالی له یا علیه سرمایه‌داری تلقی شود. از آنجا که ارزشیابی اهمیت اخلاقیِ نظام سرمایه‌داری تا حد زیادی مبتنی بر ارزیابی اثرات اقتصادی آن است، کتاب حاضر ضرورتاً به

1. See Jerry Z. Muller, “Capitalism: The Wave of the Future,” *Commentary* (December 1988), pp. 21-6.

تفکر روشنفکران اروپایی دربارهٔ نحوهٔ عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری و کسانی که از آن منتفع می‌شوند می‌پردازد.

مسئلهٔ فقر و ثروت از جمله موضوعاتی است که در سرتاسر کتاب حاضر بدان پرداخته می‌شود. آیا بازار مردم را ثروتمندتر می‌سازد یا آنها را فقیرتر می‌کند؟ اگر غالباً آنان را ثروتمندتر می‌کند، آیا این لزوماً چیز خوبی است؟ «من قبلاً هم ثروتمند بوده‌ام و هم فقیر. باور کن ثروت بهتر است.» این را قهرمان زن فیلم تعقیب بزرگ (۱۹۵۳) ساختهٔ فریتس لانگ می‌گوید. اما، همان‌گونه که خواهیم دید، سنت‌های عمیقاً ریشه‌دارِ جمهوری‌خواهی کلاسیک و زهدگرایی مسیحی غیر از این گفته‌اند. طیف متنوعی از متفکران مدرن، از روسو تا مارکوزه، به شیوه‌های مختلف با این فرض که ثروت بهتر از فقر است به مخالفت برخاسته‌اند و استدلال کرده‌اند که سود مادّی به قیمت زیان اخلاقی حاصل می‌شود.

مسائل دیگری نیز دربارهٔ نسبت سرمایه‌داری و فرهنگ وجود دارد. آیا جامعهٔ بازارساخته، بیش از آنکه دل‌مشغولی‌های آن‌جهانی داشته باشد دل‌مشغولی‌های این‌جهانی ندارد، و آیا این امر نقطهٔ قوت آن است یا نقطهٔ ضعف آن؟ آیا می‌توان از وجود نوعی ذهنیت ویژه در ارتباط با بازار سخن گفت؟ اگر آری، آیا این ذهنیت به حوزه‌های دیگر نیز نفوذ خواهد کرد، و اگر چنین کند، آیا این نفوذ مطلوب است یا نامطلوب؟